

خبر

پروانه معصومی:

بازیگران زن میانسال را نمی‌بینند

جذابیت را فقط در ظاهر و رنگ چشم خلاصه می‌کنند



بخش فرهنگی – بازیگر سینما و تلویزیون اعتقاد دارد که همیشه جای پرداختن به نقش زنان در دفاع مقدس خالی بوده است و باید بیشتر از حضور زنان در جبهه و جنگ گفت. متأسفانه خیلی کم در فیلم و سریال‌هایی که تاکنون ساخته شده به نقش زنان آن‌گونه که باید و شاید پرداخته شده است. با پروانه معصومی به گفت‌وگو نشستیم و او از دغدغه‌هایش نسبت به پرداختن به نقش زنان در دفاع مقدس صحبت کرد. پروانه معصومی از جمله بازیگرانی است که کاری پرباری از حضور در سریال‌ها و فیلم‌های شاخص را در کارنامه هنری خود دارد. کوچک جنگلی، امام علی(ع)، همشاگردی‌ها، مسافر ری، پلیس جوان، یوسف پیامبر، دریایی‌ها و ملکوت از جمله سریال‌هایی است که معصومی در آن‌ها به ایفای نقش پرداخته است. این بازیگر پیشکسوت در سریال «مینو» و در قالب شخصیت فخری حضور دارد. فخری زن میانسالی است که به‌همراه همسرش از شیراز به خرمشهر آمده و در این شهر ساکن شده‌اند.

معصومی علت اصلی بازی‌اش در سریال مینو را پرداخت این مجموعه نمایشی به روزهای ابتدایی آغاز جنگ و محاصره خرمشهر مرتبط می‌داند. وی تأکید می‌کند که بازی در سکانسی که فخری خانه‌اش را ترک می‌کند به این امید که به‌زودی باز خواهد گشت برایش دردآور و متأثرکننده بوده است. این بازیگر پیشکسوت حضور شاخص و تأثیرگذار زنان در قصه را یکی دیگر از ویژگی‌ها و نقاط تمایز این سریال ذکر می‌کند و گلایه می‌کند که در آثار نمایشی دفاع مقدس آن‌چنان که باید و شاید به نقش زنان توجه نشده است. معصومی همچنین از نوشته نشدن نقش‌های خوب برای بازیگران زن میانسال در فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی شکایت دارد.

❖ **شما اولاً بازیگر گزیده‌کاری هستید، سریال مینو به‌عنوان کار جنگی چه ویژگی‌ها و جذابیت‌هایی برای خودتان به‌عنوان بازیگر داشت که پذیرفتید در آن ایفای نقش کنید؟**

جذابیت سریال مینو برای خودم در ابتدا به پرداخت به روزهای ابتدایی جنگ بازمی‌گشت. اگر از مردم خرمشهر و شهرهای مرزی خوزستان سؤال کنید می‌بینید که یک ماه قبل از شروع رسمی جنگ با آن درگیر بوده‌اند. جاسوس‌های عراقی پیش از جنگ در این شهرها جولان می‌داده‌اند، دقیقاً شبیه همین چیزی که در سریال مینو می‌بینیم. زمانی که دیدم یک کارگردان جوان دست روی این موضوع گذاشته است و با بضاعت خیلی اندک قرار است سریالی درباره مقاومت در یک خرمشهر بسازد واقعا برابم جالب بود. آقای پوروزیری تمام فاکتورهای یک کارگردان خلاق را داشت. با ساخت دکورهایی در منطقه خاوران در شرق تهران خرمشهر را بازسازی کرده بودند. قصه سریال را هم خیلی دوست داشتم.

❖ **چرا برای بازیگران زن میانسال نقش‌های جذاب و فراز و فروددار نوشته نمی‌شود و معمولاً نقش‌هایی خنثی و یکنواخت دارند؟**

متأسفانه گاهی جذابیت یک زن را در ظاهر و رنگ چشم خلاصه می‌کنند و می‌بینند. در دنیا هنوز فیلم‌ها و سریال‌های خیلی خوبی ساخته می‌شود که زنان میانسال و حتی پیر در آن‌ها قهرمان قصه‌اند و نقش اصلی را بازی می‌کنند، متأسفانه در ایران چنین تفکر ر طرز نگاهی وجود ندارد.

❖ **یکی از نقاط شاخص سریال مینو حضور پرننگ و تأثیرگذار زنان در قصه است، این موضوع چقدر برایتان اهمیت داشت؟**

خیلی زیاد. برابم خیلی اهمیت داشت که کارگردان سریال به نقش زنان در دفاع مقدس هم پرداخته است. نگاهی به خاطرات زنان خرمشهری مثل کتاب «دا» نشان می‌دهد که زنان چقدر در مقاومت این شهر تأثیرگذار بوده و نقش آفرینی کرده‌اند. شاید خیلی از مردم از این نقش آفرینی‌ها بی‌اطلاع باشند و وظیفه نویسندگان و کارگردانان است که به این مسائل بپردازند. متأسفانه خیلی کم در فیلم‌ها و سریال‌هایی که تاکنون ساخته شده به نقش زنان آن‌گونه که باید و شاید پرداخته شده است، به‌نظر من مینو یکی از بهترین سریال‌هایی است که تاکنون در حوزه دفاع مقدس و مقاومت خرمشهر ساخته شده است.

❖ **این اواخر کم‌کار شده‌اید؟**

اتفاقاً دیروز به یکی از دوستانم می‌گفتم که «نمی‌دانم چرا از موقعی که کرونا آمده است این‌قدر پیشنهاد کار می‌شود(!!) در حالی که سابقاً این‌گونه نبود.»، همه پیشنهادات را رد کردم و گفتم که «تا زمانی که کرونا وجود دارد از خانه بیرون نمی‌آیم». آن‌شاه‌الله هروقت کرونا تمام شد دوباره به بازیگری فکر خواهم کرد.

❖ **این روزها مشغول چه کاری هستید؟**

فعلاً که خانه‌نشینم و مطالعه می‌کنم، گاهی هم تلویزیون نگاه می‌کنم، الان هم پشت پنجره نشستام و منتظر بارش بارانم. سه روز است که چشم‌انتظار آمدن بارانم. من در این روستای کوچک واقعا به‌معنی واقعی کلمه زندگی می‌کنم. البته ۷ ماه است خواهرانم را ندیده‌ام و واقعا دلتنگ‌شانم، این دوری خیلی خیلی برابم سخت است، امیدوارم این کرونا هرچه زودتر تمام شود.

{فرهنگ و هنر }

گفت‌وگو با بازیگر نقش «عماد» در سریال «مینو»

خوشحالم که با خسرو شکیبایی مقایسه می‌شوم!

بخش فرهنگی – سلمان فرخنده که نقش عماد را در سریال «مینو» ایفا کرده است، می‌گوید، در ابتدا خودش برای نقش عماد از بازیگران تست می‌گرفته و قرار نبوده است این نقش را بازی کند.

سلمان فرخنده در سریال «مینو» ایفاگر نقش عماد است؛ جاسوس عراقی که دل به مینو می‌بازد و در میانه انجام ماموریت و دلدادگی سرگشته مانده است.

سلمان فرخنده با ایفای نقش در فیلم «پنجاه قدم آخر» کیومرث پوراحمد شناخته شد. هر چند که پیش از این، بر روی صحنه نمایش فعالیت داشت و می‌نوشت و بازی می‌کرد. سریالها و فیلم های «راهی»، «بچه مهندس ۲» و «سرگشتگی» از دیگر آثاری هستند که فرخنده ایفای نقش در آنها را تجربه کرده است.

فرخنده که در تیم نویسندگان سریال «مینو» هم حضور داشته، می‌گوید که از ابتدا قرار نبوده او نقش عماد را بازی کند، اما به اصرار امیر پوروزیری – کارگردان – این اتفاق افتاده است.

او عماد را یک جاسوس و قاتل بی رحم می‌داند که پر از خشم و هیاهو است و می‌خواهد از خودش انتقام بگیرد. این

بازیگر تأکید می‌کند که با این حال، عماد را خیلی دوست داشته و از بازی در قالب این کاراکتر بسیار لذت برده و خود را فراموش کرده است. او عماد را به نوعی شبیه کاراکتر «هانیبال لکتر» در فیلم «سکوت بره ها» می‌داند و تأکید می‌کند که بازی در نقش عماد بسیار جذاب بوده است.

سلمان فرخنده که به لحاظ شباهت چهره و صدا با مرحوم خسرو شکیبایی مقایسه می‌شود، این شباهت را در وهله اول یک تهدید می‌داند از لحاظ متهم شدن به تقلید کردن و ادا درآوردن، اما در عین حال اظهار خوشحالی می‌کند که با کسی مقایسه می‌شود که تا نوک قله افتخار رفته است.

شیکه آی فیلم این شب ها سریال «مینو» را بر روی آنتن خود دارد. سریالی به کارگردانی امیرمهدی پوروزیری که علاوه بر سلمان فرخنده، بازیگران دیگری همچون پروانه معصومی، عباس عزالی، سیاوش طهمورث، محمود پاک نیت، مهدیه نساج، ملیکا عبداللهی، شیوا ابراهیمی و فرزین محدث در آن به ایفای نقش پرداخته اند. به همین مناسبت، گفت و گویی داشته ایم با سلمان فرخنده، بازیگر نقش عماد در این سریال دفاع مقدسی که در ادامه می‌خوانید:

شباهت «عماد» با کاراکتر «هانیبال لکتر» در «سکوت بره ها»

او که یکی از نویسندگان «مینو» هم بوده است درباره بازی در این سریال گفت: از آنجا که کار انتخاب بازیگران سریال «مینو» هم بر عهده من بود، بازیگران زیادی را برای تست دادن دعوت کردیم. برای نقش عماد هم همینطور. در روزهایی که از بازیگران دیگر تست گرفته می‌شد خودم بخش‌های مربوط به عماد را در خوانش فیلمنامه اجرا می‌کردم. یک روز امیر پوروزیری گفت که دیگر برای نقش عماد از بازیگران برای تست دعوت نکن، چون هیچ کس مثل خودت نمی‌تواند این نقش را بازی کند.

او درباره شخصیت عماد توضیح داد: عماد از آن کاراکترهایی است که هر بازیگری دوست دارد نقشش را بازی کند، چرا که پر از پاساژهای حسی و فراز و فرودهای فراوان است. کاراکتری مجزا باید برایش ساخته شود، تا جایی که خود بازیگر یک جاهایی فراموش می‌شود. با این نقش می‌توان حال خوشی داشت. عماد یک جاسوس و قاتل بی رحم است که حالا عاشق شده و وقتی عاشق می‌شود می‌خواهد تمام ماموریت‌ها و وظایف خویش را کنار بگذارد و نگاهی به زندگی و کاری که انجام می‌دهد عوض می‌شود. عماد یک جوهرهایی شبیه کاراکتر «هانیبال لکتر» در فیلم «سکوت بره ها» است که خیلی جذاب به نظر می‌رسد. البته با قواعدی که ما داریم نمی‌توان خیلی روی شخصیت‌های این چنینی کار کرد. با این حال، من عماد را خیلی دوست داشتم و از بازی در قالب این کاراکتر بسیار لذت بردم. در هنگام بازی در نقش عماد خودم را فراموش می‌کردم و فکر نمی‌کنم دوباره بتوانم چنین نقش فراز و فرودی را بازی کنم. عماد، هم خالی از عاطفه و خشم است و هم پر از عاطفه و خشم. انتقام خودش را از خودش می‌گیرد.

از خدا می‌خواهم دوباره نقش‌های منفی خوب به من پیشنهاد شود

این بازیگر و نویسنده در پاسخ به این پرسش که هنگام پذیرفتن نقش منفی عماد نگران کلیشه شدن در نقش منفی بوده است یا نه؟ گفت: نه، هیچ وقت نگران این مسائل نیستم. اساسا مگر خبر داریم که قرار است چه نقش‌های دیگری به ما پیشنهاد می‌شود یا اصلا زنده هستیم یا خیر؟ از خدا می‌خواهم که دوباره نقش‌های منفی خوب به من پیشنهاد شود. یکی از دلایلی که عماد را دوست داشتم خاستگری بودنش بود. دوست ندارم با گریم، متفاوت شوم و نقش منفی بازی کنم؛ یعنی فقط بیروزم تغییر کند و در درون همانی باشم که بودم. برای مثال، کسی در کوچه و خیابان یادش نمی‌آید که بازیگر نقش محمد بن ابوبکر در سریال «امام علی(ع)» یا دکتر حشمت در سریال «کوچک جنگلی» چه کسی بوده است، چرا که بازیگر آنقدر خوب نقش را بازی و کاراکتر را برجسته کرده که خودش به چشم نمی‌آید. از آن سو، بازیگرانی را هم داریم که اول بازیگر هستند و بعد، کاراکتر. اگر بازیگر نقش را تیپ بازی نکند دیگر نباید نگران باشد که کلیشه شود.

عماد فواد «روز سوم» نیست

او عنوان کرد که به نظرش کاراکتر عماد در کلیت شبیه کاراکتر فواد در «روز سوم»

نیست. فرخنده در این زمینه ادامه داد: مثل این است که بگوییم هر کسی که نقش معناد را بازی کند شبیه کاراکتر «سید» در فیلم «گوزن‌ها» می‌شود. کاراکترها ممکن است اشتراکاتی داشته باشند اما عملکردشان با هم متفاوت است. فواد هم یک جاسوس عراقی بود که در خرمشهر زندگی می‌کرد و بعدها به ارتش عراق ملحق شده بود. کاراکتر عماد اما با فواد متفاوت است. او از سال ۱۳۵۲ و در شهر شیراز برای عراق جاسوسی می‌کرده است.

ما موقع نوشتن اصلا به این موضوع فکر نکردیم که عماد شبیه فواد روز سوم هست یا نه. ضمن اینکه فکر می‌کنم کاراکتر فواد را حامد بهداد خیلی خوب درآورده است. باید ساختار اثر را در نظر گرفت و سازنده اش را. به نظرم بهداد یکی از بهترین و عجیب ترین بازی‌هایش را در روز سوم ارائه کرده و کاراکتر فواد را بی‌نظیر درآورده است. فکر نمی‌کنم خود کاراکتر فواد در فیلمنامه این قدر برجسته بوده باشد. لحظات ساخته شدن با نوشتن خیلی متفاوت است. گاهی بازیگر از خود ارزش افزوده به نقش می‌دهد. نه تنها کاراکترهای فواد و عماد با هم متفاوت هستند که حتی نوع بازی‌ها

هم خیلی تفاوت دارد.

فرصت ندارم سریال تماشا کنم

او درباره نقش ساره که به عنوان همسر عماد در سریال حضور دارد، توضیح داد: ساره همسر سابق عماد است و در سیستم جاسوسی، نقش همسر او را بازی می‌کند. یعنی، همسر واقعی او نیست. ساره به دلیل سیستم جاسوسی و امنیتی نقش همسر عماد را بازی می‌کرده که در ادامه به هم علاقه‌مند شده و یک زندگی را تشکیل داده اند. در قصه هم می‌بینید که ساره در جایی از عماد کنده و رفته است. اینها قرار بود در سری دوم سریال مشخص شود که متأسفانه به دلیل برخی از سهل انگاری‌ها میسر نشده. ساره و عماد از هم جدا شده بودند و حالا، ساره به خاطر ماموریت بازگشته است، آن هم غیرموجه و طلبکارانه. فرخنده به گفته خودش این روزها که سریال «مینو» در حال پخش است چون مشغول نوشتن است زیاد فرصت تماشای سریال را ندارد اما گهگاهی اگر فرصت کند سریال را می‌بیند. او درباره فعالیت‌های اخیرش توضیح داد: یک مجموعه را ضبط می‌کنم شامل خوانش قطعات عاشقانه نمایشنامه‌های مختلف تحت عنوان «عاشقانه خوانی». کمی هم می‌نویسم. مستند هم کار می‌کنم.

دشواری‌های خسرو شکیبایی بودن!

این بازیگر که توسط برخی به خسرو شکیبایی تشبیه شده است در این زمینه گفت: به نظرم شبیه بودن فقط به معنای صدا و تصویر نیست، رفتار و منش هم دخیل است. کسانی که برای مرتبه اول گفتند احتمالاً به خاطر صدایم بوده است. من هم در تئاتر تمرین بیان کرده ام. خوشحالم که با خسرو شکیبایی به عنوان یکی از بهترین و نوستالژیک ترین بازیگران ایرانی که تا قرن‌ها می‌توان به حضورش افتخار کرد مقایسه شوم. فرخنده این شباهت را یک تهدید به لحاظ متهم شدن به تقلید کردن و ادا درآوردن دانست و افزود: همه دوست دارند قضاوت کنند و حرف بزنند. یک چیزی بگویند که یعنی ما بهتر می‌فهمیم. از دیگر سو، این شباهت یک فرصت هم محسوب می‌شود؛ به شرطی که از این فرصت چگونه استفاده کنی. اگر خود را شبیه کنی و از آن طریق پول دربیآوری و بپذیری از خودت چیزی نداری، می‌شود فرصت طلبی. اما اگر از این شباهت در دلم استفاده کنم نه در بازی ام که نگویند شبیه خسرو شکیبایی هستی، می‌تواند مفید هم باشد.

او دور بودن از کلیشه و دور کردن ذهن مخاطب از خسرو شکیبایی بودن را کار سختی دانست و عنوان کرد: خوشحالم از اینکه با کسی مقایسه می‌شوم که تا نوک قله افتخار رفته است. در خسرو شکیبایی هم بازیگر را می‌دیدي و هم نقش را. مثل مرادبیگ در سریال «روزی روزگاری» که می‌ماندی مرادبیگ است یا خسرو، یا بازی در فیلم «هامون» و نقش حمید هامون یا حتی در سریال «خانه سبز» و کاراکتر رضا صیاحی یا بازی اش در «مدرس» که شاهکار عجیب و غریبی است. یادت می‌رود این مدرس است یا خسرو. شکیبایی مرزها را می‌شکافت. غایت بازیگری هم این است که هم خود بازیگر برای مخاطب باورپذیر باشد و هم نقشش. فرخنده درباره بازخورد‌های مخاطبان از سریال «مینو» گفت: بازخوردها خوب بود. الان هم که در حال پخش از آی فیلم است بازخوردهای خوبی می‌گیرم. در زمان نمایش اولیه «مینو»، هم‌زمان سریال «بچه مهندس ۲» هم با بازی من پخش می‌شد. برای برخی از بازیگران شاید اتفاق خوشایندی باشد اما من دوست نداشتم تلاش‌های دو ساله ام در عرض یک ماه و هم‌زمان به نمایش درآید. یک مقایسه را هم برای مخاطب به دنبال داشت.

دستمزدهای آنچنانی نگرفتیم

او در پایان گفت: سریال «مینو» را مردم دوست داشتند، چرا که یک زیبایی تلخ از جنگ داشت. از کلیشه‌ها دور بودیم و تلخی‌ها را به زیبایی به نمایش گذاشتیم. برای سریال مینو خیلی زحمت کشیده شد. چه در جلوی دوربین و چه در پشت صحنه همه کار کردیم. در صد متر، یک کلانشهر را بازسازی کردیم. خیلی‌ها فکر می‌کنند با توجه به اینکه سریال را سازمان اوج تهیه کرده دستمزدهای آنچنانی گرفته ایم در حالی که اصلا این‌گونه نبود. امیر پوروزیری هم به عنوان کارگردان خیلی زحمت کشید و تعجب می‌کنم که چرا فصل دوم «مینو» را نساخت، در حالی که تمام مقدماتش آماده بود و خیرش هم اعلام شد.

محمدرضا شمس عنوان کرد

نتیجه حذف داستان از کتاب‌های درسی

که از دبیرستان بیرون می‌آیند، آشنایی زیادی با ادبیات این مملکت ندارند ادامه داد: با بازخوردی که از بچه‌ها و دانش‌آموزان می‌بینم، چیزی از ادبیات این مملکت نمی‌دانند. حتی شاید ویرایش ساده را هم بلد نباشند. حتی هیچ‌کدام از نویسندگان تازه‌کار رسم‌الخط درست بلد نیستند و کارهای‌شان به ویرایش از منظر صحیح نوشتن احتیاج دارد. من فکر می‌کنم این از ضعف سیستم مدرسه‌های ما است.

او سپس با اشاره به ضرورت پرداختن به ادبیات شفاهی بیان کرد: در کشورهای غربی به صورت سیستماتیک به آموزش ادبیات می‌پردازند و سعی می‌کنند بچه‌ها را هم با ادبیات شفاهی کشورشان آشنا کنند و هم تا حدی با ادبیات جهان. این خیلی به آن‌ها در نوشتن کمک می‌کند. این بچه‌ها هر کدام در آینده شغلی خواهند داشت، کسانی که با نوشتن سر و کار دارند، با پشتوانه‌ای می‌روند اما متأسفانه من فکر نمی‌کنم این اتفاق در مملکت ما بیفتد چون بازخوردی که می‌بینم بازخورد مثبتی نیست.

نویسنده کتاب «هشت‌پا» همچنین گفت: این‌ها فقط حرف من نیست، اگر با افرادی که هم‌سن و سال من هستند هم صحبت کنید، همه شاید نه اما اکثراً با داستان‌های کتاب فارسی آشنا هستند. حتی بعد از انقلاب یک‌سری شعرها مثل شعر آقای رحماندوست و آقای جعفر ابراهیمی در کتاب‌ها خیلی تأثیرگذار بودند. فکر می‌کنم این‌ها را هم یواش یواش برمی‌دارند و این خیلی بد است.

محمدرضا شمس در پایان با اشاره به اهمیت استفاده از ادبیات داستانی ایرانی در کتاب‌های درسی ادبیات اظهار کرد: نه این‌که از ادبیات جنگ استفاده نکنند، آن هم یک نوع ادبی است، حتماً از آن هم استفاده کنند اما از نمونه‌های خوب آن. آن‌هایی که نویسندگان خوب نوشته و قابل تجزیه و تحلیل هستند تا بچه‌ها از آن‌ها چیز یاد بگیرند.

سه شنبه ۸ مهر ۱۳۹۹

خبر

انتشار روایتی طنز از مشکلات

بخش فرهنگی – «بیا وانمود کنیم هیچ اتفاقی نیفتاده است» نوشته جنی لائوسن با ترجمه سامان شهر منتشر شد.

این کتاب در ۳۰۴ صفحه و با بهای ۴۵ هزار تومان از سوی نشر خزه عرضه شده است.

در معرفی ناشر از این کتاب و نویسنده‌اش آمده است: جنی لائوسون از بیماری‌های جسمی و روحی مثل رمانیسم مفصلی، افسردگی، اضطراب، اختلال شخصیت دوری‌گزین و وسواس فکری‌عملی رنج می‌برد؛ اما ظاهراً مجموعه این دردها برای او مضحک بود و از هر درد، دلیلی برای خندیدن بیرون می‌کشید. نمونه‌اش، کتاب «بیا وانمود کنیم هیچ اتفاقی نیفتاده است» که او در آن، همه مصائب و مشکلاتش را به طنزانه‌ترین شکل ممکن روایت کرده است. در واقع، خاطرات او در این کتاب از کودکی و زندگی خانوادگی‌اش، دلتان را می‌شکند. ممکن است در مواردی روح شما را هم آزار دهد، اما در نهایت خنده را بر لبانتان جاری می‌کند.

«بیا وانمود کنیم هیچ اتفاقی نیفتاده است» با عنوان فرعی «خاطرات نسبتاً حقیقی» در سال ۲۰۱۲ به چاپ رسید و در آوریل همان سال، رتبه نخست پرفروش‌های نیویورک تایمز را تصاحب کرد. همچنین این کتاب برنده جایزه بهترین کتاب طنز سال از سوی مخاطبان سایت گودریدز شد.

لنکستر نویسنده آمریکایی درباره آن نوشت: «جنی لائوسون آزار دارد. شدیداً هم آزار دارد! امیدوارم وقتی مشغول خواندن این کتاب هستید و می‌خندید، به خودتان آسیب نزنید!» کیتلین موران روزنامه‌نگار و نویسنده انگلیسی هم به جنی لائوسون لقب «ملکه پرحرفی‌های خوشمزه» را داد.

●●●●●

مجید انتظامی، نشان رسول را دریافت کرد



بخش فرهنگی – مجید انتظامی پس از دریافت نشان رسول از شانزدهمین جشنواره فیلم مقاومت تأکید کرد هشت سال است به دلیل برخوردی که با او شده، موسیقی را رها کرده است.

مراسم اختتامیه مرحله نخست شانزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت، (یک‌شنبه ششم) در جوار مزار شهدای گمنام باغ موزه دفاع مقدس برگزار شد. اهدای نشان رسول، بخشی از این مراسم بود؛ این جایزه، به‌یاد رسول ملاقلی‌پور، کارگردان فقید سینمای دفاع مقدس، به هنرمندان خلاقی اهدا می‌شود که در عرصه هنر مقاومت صاحب اثر باشند. اسمال، مجید انتظامی، آهنگ‌ساز آثاری چون «عقاب‌ها»، «کاتی‌مانگا»، «از کرخه تا راین»، «دوئل»، «بوی پیرهان بوسف»، «حمله با اج ۳» و … این نشان را دریافت کرد.

این آهنگساز پس از دریافت تندیس و جایزه خود گفت: «سعی می‌کنم آن‌چه را که احساس می‌کنم در موسیقی‌ام باشد. ساخت موسیقی کار آسانی نیست. هر مسئولی، دیدگاهی دارد. ممکن است مسئولی از کار من خوشش بیاید یا نیاید. برخورد با هنرمندان این روزها خیلی درست نیست و من هشت سال است که به دلیل برخوردی که با من شد، موسیقی را رها کرده‌ام.»

●●●●●

محمدرضا فروتن و بهرام

افشاری در «آقای سانسور»

بخش فرهنگی – در دومین هفته از اکران «آقای سانسور» نمایش این فیلم علاوه بر سینماهای تهران به تازگی در چندین شهر دیگر نیز آغاز شده است. اکران فیلم سینمایی «آقای سانسور» به کارگردانی علی جبارزاده و تهیه‌کنندگی غلامرضا گمرکی، علاوه بر سینماهای پایتخت طی چند روز گذشته در سینماهای شهرهایی مانند تبریز، زنجان، قزوین، اراک، تهران، رسول، بیرجند، کاشان، رامسر به همراه چند شهر بزرگ دیگر نیز آغاز شده است. به جز شهرهای نامبرده، این فیلم بزودی در دیگر نقاط کشور نیز روی پرده خواهد رفت.

با توجه به شرایط موجود کشور و بلیت‌فروشی ۵۰ درصد از ظرفیت سالن‌های سینما به دلیل شیوع ویروس کرونا، تاکنون استقبال از «آقای سانسور» رضایتبخش بوده است و با افزایش تعداد سالن‌ها پیش‌بینی می‌شود در روزهای آتی نیز این روند ادامه داشته باشد. محمدرضا فروتن، بهرام افشاری، بهاره رهنما، بهوش بختیاری، امید روحانی، محمود پاک‌نیت، علی مثنوی، گیتی قاسمی، امیر کربلایی‌زاده، صحرا اسدالهی، امیراشکان مثنوی، شاهین باباپور، علی ضیایی، حسن نوری، همراه با هنرمند خردسال آریانا مثنوی گروه بازیگران این فیلم را تشکیل می‌دهند. علی مثنوی مجری طرح و سرمایه‌گذار این پروژه است. پخش فیلم نیز برعهده شرکت سینمایی نمایش گستران قرار دارد.